

بررسی اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از منظر امام حسین علیه السلام اسماعیل خارستانی،* فاطمه سیفی**

چکیده

در پژوهش حاضر با روش تحلیل اسنادی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام حسین علیه السلام بررسی شده است. جامعه آماری، همه منابع دست‌اول (آثار مربوط و متناسب به حضرت سیدالشهداء علیه السلام) و منابع دست‌دوم یعنی منابع غنی اسلامی و احادیث و روایات و اقوال منقول از آن حضرت است که در کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، نشریات و پژوهش‌های مرتبط با موضوع موجود بوده است. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده و استفاده از منابع یادشده نیز بر همین اساس بوده است. همچنین ابزار پژوهش فیش برداری بوده و یافته‌های حاصل از پژوهش تحلیل شده‌اند که عمده‌ترین نتایج این تحلیل عبارت‌اند از:

۱. اهداف تربیت اخلاقی از منظر امام حسین علیه السلام شامل سه هدف: رضای الهی، احیای حقیقت وجودی انسان و احیای معاد و روز حساب است؛

* - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت (تعلیم و تربیت اسلامی).



۲. اصول تربیت اخلاقی از منظر امام حسین علیه السلام شامل هشت اصل: مروت، زهد، محبت، اخلاص و خدامحوری، حرّیت، کرامت، عزت و تحذیر و ترغیب است؛

۳. روش‌های تربیت اخلاقی از منظر امام حسین علیه السلام شامل بیست و سه روش است که براساس اهداف و اصول به دست آمده، به تفکیک، استخراج و ارائه شده است؛

واژه‌های کلیدی

امام حسین علیه السلام، اخلاق، تربیت اخلاقی، اهداف، اصول، روش‌ها.

مقدمه

از دیدگاه اسلام، پرورش فضائل اخلاقی یکی از مهمترین اهداف والای رسالت پیامبران خدا بوده است تا انسان در مسیر کمال که علت غایی آفرینش است، قرار گیرد. فلسفه شریعت اسلام و آداب و احکام الهی همانا تکامل انسان و جاودانگی اوست که جز با تخلّق به اخلاق فاضله میسر نیست. اسلام مکتبی جامع و واقع‌گرا است که در آن به همه جوانب نیازهای بشری اعم از دنیایی و آخرتی، جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و غیره توجه شده است. دین اسلام دارای اصول و معیارهای محکم و مشخص است و برای تمام امور زندگی بشر برنامه دارد. در این دیدگاه، اصول اولیه اخلاق و معیارهای اولیه انسانی به هیچ وجه نسبی نیست و همان‌طور که می‌بینیم در اسلام از پیامبر صلی الله علیه و آله تا امام حسن عسکری علیه السلام اصولی را به اتفاق طرد و اصول دیگری را تأیید کرده‌اند؛ لذا معلوم می‌شود این اصول معیارهایی مهم و اساسی هستند.

در زمینه تربیت اخلاقی در میان پژوهش‌گران داخلی و خارجی تحقیقاتی صورت گرفته است. در این تحقیقات دقیقاً به موضوع بحث این مقاله پرداخته نشده، لیکن به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

باقری در پژوهشی تحت عنوان «نقد تطبیقی مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی (اخلاق قدما و روان‌شناسی معاصر)»، بیان می‌دارد، یکی از تفاوت‌های اصلی تربیت اخلاقی قدما در مقایسه با نظریه‌های جدید آن است که آن‌ها بر علت‌غایی یعنی غایت‌شناسی فلسفی توجه دارند؛ درحالی‌که به جز نظریه روان‌کاوی که به غایت‌گرایی علمی و نه فلسفی معتقد است، بقیه نظریه‌های جدید به خصوص رفتارگرایی به علیت فاعلی توجه کرده و علت‌غایی را رد می‌کنند. از نظر قدما، معیار فضیلت اخلاقی اعتدال نفسانی است. در بحث از روش‌ها و اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه نظریه‌های جدید، در روان‌کاوی، همانندسازی و در رفتارگرایی تقویت و رشد شناختی و ساختمان شناختی افراد تأثیر دارد؛ درحالی‌که روش تربیت اخلاقی از نظر قدما ایجاد فضائل عالی یا عادت‌دادن (ایجاد ملکه) است و برای زدودن عادات منفی، باید برعکس عمل کرد. (باقری، ۱۳۶۴)

رهنما در پژوهشی که در تجزیه و تحلیل خاستگاه‌ها، غایت‌ها و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی انجام داده، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که: از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی، خرد خاستگاه اصلی تربیت اخلاقی است. هدف اصلی تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه، سعادت و از دیدگاه کانت، پیروی اخلاقی است. در زمینه روش‌های تربیت اخلاقی، بیشترین شباهت و در زمینه هدف‌های تربیت اخلاقی، بیشترین تفاوت بین این دو دیدگاه دیده می‌شود. (رهنما، ۱۳۷۸)

نارویی در پژوهشی تحت عنوان بررسی روش‌های تربیتی در قرآن و سنت نشان داد که روش‌های دعوتی عبارت‌اند از: روش‌های آگاهی‌بخش، روش‌های عادت‌آفرین، روش‌های سهل‌گیرانه، روش‌های درس‌آموز، روش‌های جهت‌دهنده و روش‌های بازدارنده. محقق تمام این روش‌ها را در قرآن و سنت به شکل مستند بیان کرده است و آن‌ها را به عنوان روش‌های خوبی در تربیت برای الگو قرار دادن ذکر کرده است. (نارویی، ۱۳۷۴)

شولامیت در پژوهشی تحت عنوان حداقل فضیلت‌های اخلاقی (تئوری برای تربیت اخلاقی) نتیجه می‌گیرد که حداقل فضیلت‌های اخلاقی، به عنوان تئوری تربیتی و مانند آن عمل می‌کند و فضیلت‌های اخلاقی به صورت سیستماتیک از اخلاقیات ارسطو و نیکوماک نشأت می‌گیرد. این تئوری، عقاید اخلاقی را به انسان تلقین می‌کند. طرح پیشنهادی شولامیت روی سه فضیلت خیرخواهی، خوبی و زیبایی و اعتدال متمرکز است که اعتدال نقش موازنه‌کننده را برای خیرخواهی و زیبایی بازی می‌کند. سه فضیلت یادشده سه عمل متقابل اخلاقی و مشارکت با هم برای توسعه سیرت اخلاقی، عامل اخلاقی انجام می‌دهند.^۱

علاوه بر دیدگاه‌ها و نظرات و پژوهش‌های ذکر شده، افراد دیگری نیز در طول دوران‌های متمادی اعم از قدما و معاصران، درباره اخلاق و تربیت اخلاقی بحث کرده‌اند؛ لیکن هنوز ابهام‌ها و سؤال‌های گوناگونی در این زمینه وجود دارد و مسئله کماکان به قوت خود باقی است و احتیاج به بحث و پژوهش کافی دارد؛ لذا با توجه به بضاعت علمی خویش بر این بوده‌ایم که

1-Shulamit, "Minimalistic virtue ethis : Theory for moral education"

ضمن بررسی احادیث و روایات و قول و تقریر و رفتار و کردار منسوب به حضرت امام حسین علیه السلام، سوالات پژوهشی زیر را مطرح کرده و بررسی کنیم.

سوالات پژوهش

۱. اهداف تربیت اخلاقی از منظر حضرت امام حسین علیه السلام چیست؟
۲. هریک از اهدافی که امام حسین علیه السلام مطرح کرده‌اند، دارای چه اصول تربیتی است؟
۳. هریک از اصولی که آن حضرت مطرح کرده‌اند، شامل چه روش‌های تربیتی است؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع تحلیل اسنادی بوده که با بررسی احوال و آثار و بیان اقوال و احادیث حضرت امام حسین علیه السلام به توصیف تربیت اخلاقی از دیدگاه آن امام بزرگوار پرداخته و سپس با تحلیل اقوال و روایات مذکور، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی استخراج و ارائه شده است.

جامعه، نمونه و ابزار تحقیق

جامعه متنی تحقیق شامل همه منابع دست‌اول (آثار مربوط و منتسب به حضرت امام حسین علیه السلام) و منابع دست‌دوم شامل منابع غنی اسلامی و احادیث و روایات و اقوال منقول از حضرت سیدالشهدا علیه السلام است که در نشریات و پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق، موجود بوده است.

نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده و براین اساس، ابتدا منابع دست‌اول انتخاب و سپس سایر منابع مرتبط با موضوع، مدنظر قرار گرفته و از آنها استفاده شده است.

ابزار استفاده‌شده در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری بوده است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، به این سوال پاسخ داده می‌شود که اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از منظر حضرت امام حسین علیه السلام کدام‌اند؟

۱. هدف: رضایت الهی

از بارزترین اوصاف امام حسین علیه السلام این است که در تمام زندگی، گفتار و رفتار و کردارش طبق رضایت حق و در مسیر الهی بود. ایشان جز از رضای خدا دم نزد و جز خدا ندید و جز سخن خدا نشنید و راستی که او به تمام معنی بنده‌ای سراپا تسلیم الهی بود.

کمال بندگی در «رضا» به رضای الهی و فرمان اوست. حضرت امام حسین علیه السلام در حرکت به سوی کربلا، اظهار امیدواری کرد که آنچه خداوند برایش اراده کرده، «خیر» باشد، چه با فتح، چه با شهادت:

ارجوان یكون خیرا ما اراد الله بنا، قتلنا ام ظفرنا. (امین عاملی، ۱۳۸۴: ۱، ۵۹۷)

در قتلگاه نیز جملات زیبایی «الهی رضاً برضاک و تسلیم لامرک» که بر زبان ایشان جاری شد، نشانه خلوص در بندگی و رضا به قضای خداوند است. عشق الهی در سراسر وجود حضرت، سریان و جریان داشت و «مقام رضا» مرتبه برتر ایمان او به‌شمار می‌رفت. آن حضرت بارها می‌فرمود:

«رضا الله رضانا أهل البيت»؛ رضایت ما خاندان، تابع رضای الهی است. (گروه

حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۴۱۵: ۳۲۸)

۱,۱,۱. اصل محبت

محبت به فرزندان امری درونی است که خداوند آن را در دل والدین به ودیعت نهاده است؛ اما آنچه در این میان مهم می‌نماید و آثار تربیتی دربی دارد، ابراز آن است. ابراز محبت امری اختیاری است و والدین و مربیان می‌توانند در پرتوی آن، زمینه تربیت صحیح را فراهم آورند. چه بسیارند والدینی که نسبت به فرزندان خود محبت فراوان دارند؛ اما آن را ابراز نمی‌کنند، درحالی‌که محبت وقتی سازنده و تأثیرگذار خواهد بود که فردی که به او محبت می‌شود، از آن آگاهی یابد. امام حسین علیه السلام به عنوان الگوی تربیتی مطمئن و کامل، محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان دانسته و در قالب‌های گوناگون به ابراز آن می‌پرداخت. گاه با درآغوش گرفتن و به سینه چسباندن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به‌زبان آوردن کلمات شیرین و محبت‌آمیز.

۱,۱,۱. روش پای‌بندی به سلام کردن

یکی از روش‌های قرآنی در عزت‌دادن به افراد، سلام کردن و درودفرستادن به آن‌ها است. خداوند متعال در قرآن کریم برای اینکه عظمت مؤمنان را روشن سازد، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد، به اهل ایمان سلام کند:

﴿و إذا جاءك الذين يؤمنون بآياتنا فقل سلام عليكم﴾؛ «هرگاه کسانی

که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آن‌ها بگو: سلام بر شما!»

(انعام، ۵۴)

این شیوه موفق قرآنی در سیره امام حسین علیه السلام نیز به طور روشن دیده می شود. آن حضرت در ثواب سلام فرمودند:

«للسلام سبعون حسنه، تسع و ستون للمبتدی و واحده للراد»؛ برای سلام هفتاد حسنه است، شصت و نه حسنه برای سلام کننده و یک حسنه برای پاسخ دهنده. (حرانی، ۱۳۷۶: ۲۴۸)

این شیوه الهی آنچنان مهم و باارزش است که امام حسین علیه السلام از آغاز نمودن سخن، بدون سلام کردن، نهی کرده و به فردی که پیش از ادای سلام، جویای حال حضرتش شده بود، فرمود:

«السالم قبل الکلام عافاک الله، لا تاذنوا لاحد حتی یسلم»؛ خدا تو را عافیت و سلامتی دهد، سلام کردن بر سخن گفتن مقدم است [سپس فرمود]: تا کسی سلام نداده، به او اجازه سخن گفتن ندهید. (نوری طبرسی، ۱۴۰۹: ۸، ۳۵۸)

۱،۱،۲. روش ارتباط کلامی با عبارتهای دلنشین

عموم مردم اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، زنان و مردان، در معاشرتهای اجتماعی نسبت به ارتباط کلامی افراد بسیار حساس هستند و نوع لحن و صوت و انتخاب جملات، در توجه و جذب آنان، اهمیت فوق العاده ای دارد. سخنان محبت آمیز، دلریا و دارای بار عاطفی مثبت، در عمق جان مخاطبان تأثیر می گذارد و عزت نفس را در آنان تقویت می کند. انسان هایی که در الفاظ و عبارتهای خود، کمال ادب و عفت را رعایت می کنند، در نظر مخاطب عزیز و مکرم بوده و عموم مردم، آنان را به دیده احترام و بزرگی می نگرند. در واقع رعایت ادب و عفت و جاهت در گفتار، موجب عزت نفس برای گوینده و شنونده است. برخی از مشکلات و

ناهنجاری‌ها، تندخویی‌ها، زورگویی‌ها، بدبینی‌ها، حقارت‌ها و افسردگی‌ها را می‌توان با به‌کارگیری عبارات‌های دلنواز و روح‌بخش درمان کرد.

حضرت سیدالشهداء علیه السلام هنگام خداحافظی با فرزندش امام سجاد علیه السلام در روز عاشورا، فرزندش را به آغوش کشیده و با کلمات مهرآمیزی که از اعماق جاننش ریشه می‌گرفت، به او فرمود:

«یا ولدی! انت اطیب ذریتی و افضل عترتی و انت خلیفتی علی هؤلاء العیال و الاطفال»؛ پسر من! تو پاکیزه‌ترین فرزندان من و بهترین خاندان من هستی، تو جانشین من در [سرپرستی] این زنان و کودکان خواهی بود. (گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۴۱۵: ۴۸۶)

۲.۱. اصل زهد

زاهد یعنی کسی که توجه‌اش از مادیات به عنوان کمال مطلوب و برترین خواسته، عبور کرده و متوجه مسائل اخروی و فضائل اخلاقی و معنوی شده است. بی‌رغبتی زاهد، بی‌رغبتی در ناحیه اندیشه و آمال و ایده و آرزوست، نه بی‌رغبتی در ناحیه طبیعت. (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۱۱)

امام حسین علیه السلام هم از نظر اندیشه، در برترین سطح زهد قرار داشت و هم از نظر رفتاری. اساس زهد را بی‌میلی به دنیا تشکیل می‌دهد. بی‌میلی به دنیا آن‌گاه صورت صحیحی می‌یابد که اندیشه و دید انسان درباره دنیا درست و واقعی باشد. حضرت اباعبدالله علیه السلام دنیا را این‌گونه معرفی می‌کند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ مُتَصَرِّفَةً بِأَهْلِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ، فَالْمَعْرُورُ مِنْ غَرَّتْهُ وَالشَّقِيُّ مَنْ فَتَنَتْهُ، فَلَا تُعْرَنَكُمُ هَذِهِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءً مِنْ رَكْنِ الْإِيْهَا وَ تُحَيِّبُ طَمَعًا مِنْ طَمَعِ فِيْهَا»؛ سپاس خدایی را که دنیا

را آفرید و آن را سرای فناپذیر و روبه‌زوال قرار داد؛ دنیایی که صاحبانش را از حالی به حالی دگرگون می‌کند؛ پس خودباخته، آن کسی است که دنیا او را بفریبد و تیره‌بخت و شقاوت‌مند کسی است که دنیا او را شگفت‌زده سازد. [ای مردم!] دنیا شما را نفریبید؛ زیرا دنیا امید هرکس را که بر آن تکیه کند، به یأس تبدیل می‌کند و طمع هرکس را که در آن طمع ورزد، بی‌نتیجه می‌گذارد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵، ۵)

۱،۲،۱. روش هدف‌داری و حق‌مداری

هدف‌داری در تربیت و تزکیه اسلامی، به‌منظور معنابخشی به زندگی و زدودن پوچی و بیهودگی است. حق‌مداری و هدف‌داری درس مکتب امام حسین علیه‌السلام، از هنگام خروج تا پایان حرکت است. آن حضرت در وصیت خود به محمد حنفیه، هدف از قیام را اصلاح و تربیت امت جدّ خویش بیان فرمود و توفیق را از جانب خدا دانست:

«... وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللّٰهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (مویدی، ۱۳۸۳: ۳۳۰)

۲،۲،۱. روش بجا و به‌موقع سخن‌گفتن

برای مؤثر واقع شدن سخن، شرایط و زمینه‌هایی لازم است که رعایت آن‌ها موجب نتیجه‌گیری بهتر و بی‌توجهی به آن‌ها چه بسا موجب بی‌تأثیر شدن سخن انسان می‌شود. امام حسین علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

در آنچه به تو ارتباطی ندارد، سخنی بر زبان جاری مکن؛ چراکه ممکن است به سبب آن در روز قیامت بازخواست شوی و حتی در آنچه مربوط به توست سخن مگو، مگر اینکه جا و موقعیت مناسبی پیدا کنی؛ زیرا چه بسیار

سخن گویانی که گرچه به حق سخن گفته‌اند؛ اما چون محل و موقعیت آن را در نظر نگرفته‌اند، مورد تمسخر دیگران واقع شده‌اند. (بی‌نا، ۱۳۸۱)

۳،۱. اصل مروت

امام حسین علیه السلام با دشمنان به شیوه پدرش امام علی علیه السلام رفتار می‌کرد. سیراب کردن آن‌ها هنگام تشنگی و پرهیز از ترور و غافلگیری، نمونه‌های روشنی از مروت است. حضرت امام حسین علیه السلام نیز با اینکه از فسق و فجور و خباثت شمر بن ذی الجوشن و اهانت وی به حریم ولایت آگاه است، پیشنهاد حمله ناگهانی سپاه خود را رد می‌کند و می‌گوید:

ما هرگز شروع به جنگ نمی‌کنیم ولو به نفع ما باشد. (مطهری، ۱۳۷۳: ۲، ۲۶۲)

۱،۳،۱. روش مدارا کردن

مدارا کردن و زندگی مسالمت‌آمیز با مردم، یکی از ارزش‌های اخلاقی در زندگی اجتماعی است که دل‌ها را مجذوب انسان می‌کند و بسیاری از مشکلات رفتاری را از بین می‌برد. (مویدی، ۱۳۸۳: ۳۹۰)

امام حسین علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«مَنْ أَحْجَمَ عَنِ الرَّأْيِ وَ عَيَّتْ بِهِ الْحَيْلُ كَانَ الرَّفْقُ مُفْتَاحَهُ»؛ هر کس که از کار فروماند و راه تدبیر بر او بسته شود، کلیدش مدارا کردن است. (همان، ۳۳۹)

۲،۳،۱. عفو و عذرطلبی

عفو در لغت، به معنای ترک چیزی (ابن فارس، ۱۴۲۰: ۱، ۱۳۱) یا صرف نظر کردن از چیزی است که اقتضای نظر و توجه دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۰)

در روایت است که امام حسین علیه السلام به کسی که به او اهانت کرده بود، مهربانی رواداشت و او را از اشتباهش آگاه ساخت، به گونه‌ای که اهانت‌کننده خود شرمسار گشت. (مویدی، ۱۳۸۳: ۶۹۰) امام حسین علیه السلام درباره عذرپذیری خویش می‌فرمود:

اگر کسی در گوش راست ناسزایم گوید و از من درگوش چپم پوزش خواهد، من عذرش را می‌پذیرم. (همان، ۶۹۲)

۳،۳،۱. روش سخاوت و بخشندگی

از برجسته‌ترین خصلت‌های انسانی آن حضرت، سخاوت و بخشندگی بود. آن بزرگوار تلاش می‌کرد با حمایت‌های مادی و معنوی خود، مرحمی بر زخم‌های نیازمندان و انسان‌های دردمند و خسته از فشار سنگین فقر و فلاکت بگذارد. امام حسین علیه السلام بر این باور اصرار می‌کرد که:

«مَنْ جَادَ سَادَ وَ مَنْ بَخَلَ رَذِلَ وَ إِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَزْجُوا»؛ کسی که بخشش نماید، بزرگی خواهد یافت و هرکس بخل ورزد، پست خواهد گشت و یقیناً بخشنده‌ترین مردم کسی است که به نیازمندی که [از او] امید یاری ندارد، بخشش کند. (حلوانی، ۱۳۸۳: ۸۲)

۴،۳،۱. روش مساوات

اصحاب امام حسین علیه السلام ترکیبی از آزادگان و بردگان آزاد شده بودند و شیوه رفتار امام هم با نقش آفرینان و ایتارگران یکسان بود. رنگ، قومیت، موقعیت و نژاد آن‌ها در نظر و قضاوت وی تأثیری نداشت و مساوات حاکم بود. دو نفر از عده معدودی که امام خود را به بالین آنان رساند، برده آزاد شده بودند. «جون» یکی از آن‌ها بود که وقتی به شهادت رسید، امام خود را به بالین وی رسانید و

حشر او را با «ابرار» که مقامی برتر از متقین است، از خدا درخواست کرد: «خدایا در آن جهان او را با «ابرار» محشور کن.» دیگری مردی رومی بود که وقتی از اسب بر زمین افتاد، اباعبدالله علیه السلام خون را از جلوی چشمانش پاک کرد و صورتش را بر صورت وی گذاشت. این صورت بر صورت نهادن منحصر به همین غلام و فرزندش علی اکبر بود: «فوضع خده علی خده... متبسم الی ربه...»

صحنه خونین کربلا متضمن پیام‌های اخلاقی، اجتماعی، توحیدی، اعتقادی، عرفانی، اندرزی و پرخاشگری است که با جانبازی‌های کم‌سال‌ترین (طفل شیرخوار اباعبدالله علیه السلام) تا کهنسال‌ترین مرد (جابر بن عروه غفاری) و زن (زوجه عبدالله بن عمر کلبی) تجسم پیدا کرد و هریک عهده‌دار نقشی بودند. (مطهری، ۱۳۷۳: ۲، ۲۶۸) در آن روز هیچ‌کدام از اصحاب امام حسین علیه السلام در برابر دشمن ضعفی از خود نشان ندادند، فرار نکردند و به سپاه دشمن نیوستند.

۴،۱. اصل اخلاص و خدامحوری

امام حسین علیه السلام نه تنها در لحظه شهادت زمزمه «فی سبیل الله» به زبان داشت، بلکه همیشه در صبحگاهان و شامگاهان این دعا را به زبان می‌آورد:

«بسم الله وبالله ومن الله و الی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله، و توکلت علی الله، ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم. اللهم انی اسلمت نفسی الیک، ووجهت وجهی الیک وفوضت امری الیک، ایاک اسال العافیة من کل سوء فی الدنیا والآخرة»؛ به نام خدا و به یاد خدا، از خداوند و به سوی او و در راه او، بر آیین پیامبر او و بر خداوند توکل کردم و نیرو و قدرتی جز به [اراده] خداوند بزرگ نیست. پروردگارا! جانم را به تو تسلیم کرده و چهره‌ام را به

سوی تو گردانده و کارم را به تو واگذار کرده و از تو سلامتی از هر بدی در دنیا و آخرت را خواهانم. (مویدی، ۱۳۸۳: ۳۱۶)

در سراسر این دعا، خدامحوری، رضایت الهی و خشنودی به دلیل رضایت خداوند موج می‌زند.

۱،۴،۱. روش ذکر خدا

حسین بن علی علیه السلام بنده ذاکر خدا بود و پیوسته حمد و ثنای الهی بر زبانش، سپاس نعمت‌ها در قلبش و در راحت و رنج و پنهان و آشکار، یاد خدا آرام‌بخش جانش بود و بر او تکیه داشت. هیچ صحنه تلخ و غم‌باری نبود، جز آنکه داروی «یاد خدا» آرامش می‌کرد. تنها در صبح عاشورا نبود که با گفتن «اللهم انت ثقتی فی کل کرب» به یاد خدا بودن را ابراز می‌کرد و تنها در حملات حماسی روز عاشورا نبود که با تکرار جمله «لا حول و لا قوه الا بالله» ارتباط قلبی خود را با معبود، بر زبان می‌آورد؛ بلکه همواره گویای «الله اکبر» بود و ذکر «الحمد لله علی کل حال» و یاد خدا، ورد زبانش بود. کلمه استرجاع را که یکی از شاخص‌های ذکر حقیقی، به خصوص هنگام مصائب و ناگواری‌ها است، در مواقع مختلف مثلاً در راه مکه به کربلا، بر لب داشت. از دید امام حسین علیه السلام شقاوت سپاه کوفه که برای آن جنایت عظیم حضور یافته بودند، نتیجه غفلت از یاد خدا بود و چون می‌دید آنان به هیچ‌روی از کینه و عناد خویش دست برنمی‌دارند و در کشتن او مصمم‌اند، به آن‌ها می‌فرمود:

«لقد استحوذ علیکم الشیطان فانساکم ذکر الله العظیم»؛ شیطان بر شما چیره شده و یاد خدای بزرگ را از (دل) شما برده است. (گروه حدیث پژوهش‌گده

بافر العلوم، ۱۴۱۵: ۴۸۵)

۲,۴,۱. روش اتکا به خداوند

امام حسین علیه السلام توکل بر خدا را پشتوانهٔ تعلیم و تربیت توحیدی می‌داند؛ اما برای نتیجه و پایان کار، این‌گونه تلاش نمی‌کند؛ چراکه هرکس بر خدا تکیه کند، موفق و پیروز است و از جمعیت دشمن و کمی یاران خود نمی‌ترسد؛ همچنان‌که به لشکر کوفه خطاب می‌کند:

زنزاده فرزند زنزاده، میان دو چیز یا فشرده است: کشتن ما و ذلت ما!

هیئات که ما ذلت را بپذیریم. (مویدی، ۱۳۸۳: ۴۷۴)

در جدول ذیل ارتباط هر یک از اصول و روش‌ها، با هدف رضایت الهی نشان داده شده است:

جدول ۱. اصول و روش‌های مرتبط با هدف رضایت الهی

| روش‌ها | اصول | هدف |
|----------------------------------|------------------|------------|
| پای‌بندی به سلام‌کردن | محبت | رضایت الهی |
| ارتباط کلامی با عبارت‌های دلنشین | | |
| هدف‌داری و حق‌محوری | زهد | |
| بجا و به‌موقع سخن گفتن | | |
| مداراکردن | مروت | |
| عفو و عذرطلبی | | |
| سخاوت و بخشندگی | | |
| مساوات | | |
| ذکر خدا | اخلاص و خدامحوری | |
| اتکا به خدا | | |

۲. هدف: احیای حقیقت وجودی انسان

ائمه معصومین علیهم السلام برای رسیدن افراد اجتماع به ارزش‌های عالی انسانی، آن‌ها را به درون‌نگری دعوت می‌کنند تا با کشف حقیقت وجودی خود، به

شرافت و عزت خویش پی ببرند. حضرت سیدالشهدا علیه السلام در شعارهای معروف روز عاشورا توجه و درک عظمت و اهمیت خود انسانی را احیا فرمود و عزت و کرامت واقعی را به مردم ذلیل دنیا نشان داد. آن حضرت در روز عاشورا فرمودند:

«الموت أولى من ركوب العار»؛ مرگ از پذیرش ننگ، برتر است. (مجلسی،

۱۴۰۳: ۷۸، ۱۲۸)

پیام زیبای این شعار آن است که ای انسان، درونت را بنگر، تا سر برتری خود را از دیگر موجودات عالم دریایی؛ آن گاه حاضر نخواهی شد تن به حکومت ذلیل شخصی همچون یزید دهی و با این حال روزگارت بگذرد. ننگ خدمت به یزید، ارزانی تو نیست. ایشان در جای دیگر فرمودند:

«موت في عز خير من حياة في ذل»؛ مردن با عزت از زندگی با ذلت بهتر

است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴، ۱۹۲)

همچنان که در جای دیگر فریاد بر می آوردند:

«فإني لا أرى الموت إلا سعادة ولا الحياة مع الظالمين إلا برماً»؛

(ابن طاووس، ۱۳۸۱: ۷۹)

۱،۲. اصل عزت

عزت در اصل به معنای صلابت و حالت شکست ناپذیری است و بر همین اساس در معانی دیگر از جمله غلبه، صعوبت، سختی، غیرت و حمیت و مانند این ها به کار رفته و توسعه معنایی پیدا کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۷،

۳۱) اصل عزت از مهمترین اصول سیره امام حسین علیه السلام و از بنیادی ترین امور دین است. آن حضرت داشتن عزت نفس را یکی از صفات ضروری مؤمنان

دانسته و می فرماید:



«ایاک و ما تعتذر منه فان المؤمن لایسیء ولا یعتذر والمنافق کل یوم یسیء و یعتذر»؛ از انجام کارهایی که نیاز به پوزش دارد [و عزت نفس را خدشه‌دار می‌کند] بپرهیز؛ زیرا مؤمن نه کار بد می‌کند و نه پوزش می‌طلبد، ولی منافق [که برای خود ارزش قائل نیست]، هر روز کار بد انجام می‌دهد و پیوسته عذرخواهی می‌کند.» (شریف قرشی، ۱۳۸۵: ۱، ۱۸۱)

۱،۱،۲. روش الگو و سرمشق بودن

امام حسین علیه السلام عصاره رسالت و میوه درخت امامت است که سیره اخلاقی او می‌تواند ترسیم‌کننده ارزش‌های والای قرآنی باشد. اعتلای شخصیت اخلاقی امام حسین علیه السلام و استقلال شخصیت سیاسی اجتماعی آن حضرت، انعکاس گسترده‌ای در جامعه اسلامی آن روز داشت، به گونه‌ای که دشمنان و مخالفان وی نیز آن را باور داشتند. به این جمله که از زبان معاصران آن حضرت نقل شده، بنگرید: معاویه به فرزندش یزید چنین سفارش کرد:

«حسین احب الناس الی الناس»؛ حسین محبوب‌ترین چهره مردمی است.

(ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴، ۳۲۷)

۲،۱،۲. روش گزینش نام نیک

نام هرکس معرف اعتقادات، فرهنگ، ملیت و اصالت خانوادگی اوست. صاحبان نام‌های زیبا، در آینده به آن افتخار می‌کنند و صاحبان نام‌های ناشایست، از نام خود احساس حقارت خواهند کرد. امام حسین علیه السلام نام‌های نیک را ترویج می‌کرد و به صاحبان آن نام‌ها و والدین‌شان درود می‌فرستاد. هنگامی که جنازه خونین حرّ را در آخرین لحظات زندگی به حضورش آوردند،

حضرت با دستان مبارک خود، صورت او را نوازش کرد و درحالی که خون
چهره‌اش را پاک می‌کرد، فرمود:

«بِحَّ بَيْحٍ لَكَ يَا حُرُّ، أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سُمِّيتَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ مَا أَحْطَاتُ أُمَّكَ
إِذْ سَمَّكَ حُرًّا فَأَنْتَ وَاللَّهُ حُرٌّ فِي الدُّنْيَا وَ سَعِيدٌ فِي الْآخِرَةِ»؛ به‌به! احسنت به
تو ای حرّ! تو آزادمردی؛ چنان‌که در دنیا و آخرت آزاده خوانده می‌شوی،
سوگند به خدا! مادرت در اینکه تو را حرّ نامیده، اشتباه نکرده است. به خدا
قسم! تو در دنیا آزادمرد و در آخرت سعادت‌مند خواهی بود. (ابن طاووس،
۱۳۸۱: ۱۹۲)

۲،۲. اصل کرامت

رسیدگی به محرومان و سرکشی به مستضعفان را هم باید از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ
آموخت. وی روزی بر عده‌ای بینوا گذشت که سفره‌ای گسترده بودند و روی
زمین نشسته، نان خشک می‌خوردند. آن‌ها پسر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به آن طعام
دعوت کردند. حضرت از اسب فرود آمد و نزد آنان نشست و از غذایشان
خورد، سپس آن‌ها را به خانه خود دعوت کرد و از آن‌ها پذیرایی نمود. شیوه
کریمانه وی، شهره آفاق بود. وقتی سائلی به در خانه امام آمد و در زد، اشعاری
با این مضمون می‌خواند که:

«هرکس امروز به تو امیدوار باشد، ناکام و نومید نمی‌شود و هرکس حلقه در
خانه تو را بکوبد، دست خالی بر نمی‌گردد. تو، سرچشمه جود و سخاوتی و
پدرت، کشنده فاسقان تبهکار بود. لم یخب الان من رجاک...» (شریف قرشی،

۱۳۸۵: ۱، ۱۳۱)

۱،۲،۲. روش احترام گذاشتن به همسر

آن حضرت با چهره‌ای گشاده و روحی سرشار از عاطفه و محبت، با همسران خود برخورد می‌کرد؛ چراکه آرامش روحی و روانی مادر، در پرورش فرزندان نقش بسزائی دارد. امام حسین علیه السلام دربارهٔ تکریم همسر و فرزند خود، اشعاری دارد که از نهایت علاقه قلبی و احترام به همسر و فرزندش حکایت می‌کند. درباره همسرش حضرت رباب و دخترش سکینه می‌فرماید:

«لَعَمْرُكَ إِنِّي لِأَحِبُّ دَارًا تَكُونُ بِهَا سَكِينَةٌ وَالرُّبَابُ أَحِبَّهُمَا وَ أَبْدُلُ جُلًّا مَالِي وَ لَيْسَ لِعَاتِبٍ عِنْدِي عِتَابٌ»؛ به جانت سوگند! من خانه‌ای را دوست دارم که در آن سکینه و رباب باشد، من آن‌ها را دوست دارم و عمده اموالم را [به آنان] می‌بخشم و شایسته نیست که کسی مرا سرزنش کند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵، ۴۷)

۲،۲،۲. روش خدمت‌گذاری

امام حسین علیه السلام نه تنها انفاق و خدمت‌گزاری را در جامعه آن روز به نواحی احسن و اعلی انجام می‌داد، بلکه تلاش می‌کرد اندیشه عالی و دیدگاه بلند خویش درباره خدمت‌رسانی به جامعه اسلامی را القا کند. برای تحقق همین دیدگاه بود که فرمودند:

ای مردم! با ارزش‌های والای اخلاقی زندگی کنید و برای به‌دست آوردن سرمایه‌های سعادت شتاب کنید؛ کار خوبی را که برای آن شتاب نکردید، به حساب نیاورید؛ ستایش را با کمک‌کردن به دیگران به دست آورید؛ با کوتاهی‌کردن، سرزنش‌ها را به جان نخرید؛ اگر نیکی به کسی رو داشتید و آن شخص قدردانی نکرد، نگران نباشید؛ زیرا خداوند او را مجازات خواهد کرد و خدا بهترین پاداش‌دهنده و بهترین هدیه‌دهنده است.

آنگاه فرمودند:

«واعلموا ان حوائج الناس اليكم من نعم الله عليكم فلا تملوا النعم فتحور نقما»؛
بدانید نیازهای مردم به سویی شما، از نعمت‌های پروردگار برای شما است؛
پس نعمت‌ها را [پس نزنید و] از دست ندهید که دچار عذاب الهی می‌شوید.
(امین عاملی، ۱۳۸۴: ۱، ۶۲۰)

۳،۲،۲. روش تواضع

احترامی که جامعه برای امام حسین عليه السلام قائل بود، بدان جهت است که ایشان با مردم زندگی می‌کرد و از مردم و معاشرتشان کناره‌گیری نمی‌کرد. با جان جامعه هماهنگ و چون دیگران از مواهب و مصائب اجتماع برخوردار بود و مهم‌تر از همه، ایمان بی‌تزلزل او به خداوند، او را غم‌خوار و یاور مردم ساخته بود. روزی آن حضرت از محلی عبور می‌کرد، عده‌ای از فقرا بر عباهای پهن‌شده‌شان نشسته بودند و نان‌پاره‌های خشکی می‌خوردند. به آن حضرت تعارف کردند. او هم پذیرفت و نشست و تناول فرمود و آنگاه فرمود:

﴿ان الله لا يحب المتكبرين﴾؛ خداوند متکبران را دوست نمی‌دارد.
(نحل، ۲۲)

سپس فرمود:

من دعوت شما را اجابت کردم، شما هم دعوت مرا اجابت کنید. آن‌ها هم دعوت آن حضرت را پذیرفتند و همراه او به منزل ایشان رفتند. حضرت دستور داد هرچه در خانه موجود است به ضیافت‌شان بیاورند.
(عیاشی، ۱۳۸۷: ۲، ۲۵۷)

و به این ترتیب پذیرایی گرمی از آن‌ها کرد و درس تواضع و انسان‌دوستی را با عمل خویش به جامعه آموزش داد.

۳،۲. اصل حریت

حریت به معنای آزادگی و آزادمنشی و آزادی معنوی است. آزادی از غیرخدا و بیرون شدن از بندگی مخلوقات و بریدن از تعلقات. (معین، ۱۳۸۴: ۱، ۱۲۵) حریت به معنای از بیگانه‌رستن و به‌دوست پیوستن و از هر دو جهان آزادگردیدن است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۴۴۶) و رسالت همه پیام‌آوران الهی این بوده که آدمی را به آزادی حقیقی (حریت) برسانند و مردم را از بندگی غیرخدا آزاد سازند و به بندگی خدا برسانند. میان «عبودیت» و «حریت» ملازمی تنگاتنگ برقرار است و انسان به هر میزانی که عبد باشد، حرّ می‌شود. (همان، ۴۵۲) قرآن کریم در آیه ذیل اشاره به این اصل می‌کند

«ولقد بعثنا في كل أمة رسولا أن إعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت» (نحل، ۳۶)

جهت‌گیری تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیره آن حضرت این بود که انسان چنان تربیت شود که واجد همه صفات کمالی باشد و تا انسان حرّ نشود، کمالات الهی در او متجلی نمی‌شود. حسین بن علی علیه السلام پرورش یافته رسول خدا صلی الله علیه و آله به‌طور خاص است و سرور احرار و پیشوای آزادشدگان از بند و زنجیرهای جهالت و گمراهی است. اصل حریت، همانند کرامت است که چشمه‌های کمال را در آدمی می‌گشاید و اخلاق نیک و کرامت‌های انسانی را متجلی می‌سازد. خوش‌خلقی، گشاده‌رویی، حیاء و عفت و رها بودن از کینه و فریب از آن جمله‌اند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۴۷۲-۴۸۳)

۱،۳،۲. روش احترام به اندیشه‌ها و آرای دیگران

یکی از شیوه‌های کارساز در مسائل تربیتی و تبلیغی، احترام به اندیشه‌های دیگران است. با توجه کردن به تفکرات و خواسته‌های مخاطب، می‌توان روحیه اعتماد به نفس را در او زنده نمود و عزت نفس وی را تقویت کرد.

روزی «حسن مثنی» فرزند امام مجتبیٰ علیه السلام از یکی از دختران عمویش امام حسین علیه السلام، خواستگاری کرد. آن حضرت به او فرمود: «اختر یا بنی أحبهما الیک»؛ فرزندم، هر کدام را بیشتر دوست داری، انتخاب کن. «حسن مثنی» از روی شرم و حیا سخنی نگفت. به همین دلیل، امام حسین علیه السلام فرمودند: من دخترم فاطمه را به خاطر شباهت زیادش به مادرم برای تو برگزیدم. (اصفهانی، ۱۳۷۱: ۱۲۲)

در جدول زیر ارتباط اصول و روش‌ها با هدف احیای حقیقت وجودی انسان به روشنی نشان داده شده است:

جدول ۲. اصول و روش‌های مرتبط با هدف احیای حقیقت وجودی انسان

| هدف | اصول | روش‌ها |
|-------------------------|-------|-----------------------------------|
| احیای حقیقت وجودی انسان | عزت | الگو و سرمشق بودن |
| | | گزینش نام نیک |
| | کرامت | احترام گذاشتن به همسر |
| | | خدمت‌گذاری |
| | | تواضع |
| | حریت | احترام به اندیشه‌ها و آرای دیگران |

۳. هدف: احیای معاد و روز حساب

اعتقاد به معاد ضامن اجرای نیکی‌ها و مانع گسترش زشتی‌هاست. یاد مرگ و ثواب و عقاب الهی، آدمی را از انحراف و کثرتی باز می‌دارد و گام‌های او را در راه مستقیم الهی، مطمئن و استوار می‌سازد. زنده‌نگه داشتن یاد خدا از آثار یادآوری مرگ و روز رستاخیز است.

۱،۳. اصل تحذیر و ترغیب

در تربیت اسلامی بر اصل تحذیر و ترغیب تأکید شده است. قرآن شریف از معاد و نعمت‌های خداوند برای صالحان و سختی فاجران در قیامت، بسیار یاد می‌کند؛ چراکه یادآوری عقاب و تنبیه برای خطاکاران و وعده پاداش بر نیکوکاران از اصول عملی و سازنده در تربیت به‌شمار می‌آیند. چنانچه والدین و مربیان جامعه نیز پایه و اساس مراحل تربیتی را بر اصل معاد و حساسی امور بنا نهند، در کار خود موفق‌ترند؛ زیرا فرزندان همواره مراقب اعمال خویش بوده و از خطرهای بیم‌دارند و از عاقبت شوم خوشی‌های زودگذر که شیرینی پاداش جاودانه آخرت را از آنان می‌ستانند، در هراسند. حضرت اباعبدالله علیه السلام در روز عاشورا سعی کردند با یاد معاد، قلب زنگارزده عمر سعد را احیا کنند، هرچند امید نجاتی در او نبود. از این رو خطاب به او فرمودند:

«وَيُحَكِّكُمَا مَا تَتَّقِي اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ مَعَادُكُمْ»؛ وای بر تو آیا از خدایی که بازگشت

به سوی اوست، نمی‌ترسی؟ (مویدی، ۱۳۸۳: ۴۳۱)

همان‌گونه که یاد مرگ برای بندگان دنیا نوعی تنبیه است؛ برای اهل ثواب و آن‌ها که در مسیر تربیت الهی‌اند، غرورآفرین، شادی‌بخش و مایه ثبات و استواری در هدف است.

۱،۳.۱. روش امر به معروف و نهی از منکر

امام حسین علیه السلام در نامه معروف به برادرش محمد حنفیه درباره فلسفه قیامت، در فرازی می‌فرماید:

من برای اصلاح امت جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله قیام کرده‌ام و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.

هدف امام حسین علیه السلام از بیان اصل امر به معروف و نهی از منکر این نبود که در هر زمانی با وسایل مختلف می توان از دین خدا و حق مردم و سعادت جامعه اسلامی دفاع کرد، در راه خدا بذل مال نمود، برای خدا سخن گفت، با سخنان آموزنده مردم را به راه آورد، کتاب نوشت و به بصیرت دینی و اخلاقی مردم افزود، بلکه معتقد بودند امروز جز با شهادت و جانبازی و فداکاری، هیچ امری نمی تواند جلوی فساد را بگیرد و مبانی آن را فرو ریزاند. (آیتی، ۱۳۷۲: ۸۲)

۲،۱،۳. روش میانه روی در دوستی

یکی از رفتارهای زیان بخش رعایت نکردن اعتدال در دوستی هاست. چه بسا انسان در نتیجه افراط و تفریط در دوستی، موجب رنجش خاطر دوستان خود شده و از آثار و برکات نعمت دوستی محروم شود. ائمه اطهار علیهم السلام در همه امور حتی در دوستی اهل بیت علیهم السلام بر رعایت اعتدال تأکید می فرمودند. امام حسین علیه السلام در روایتی پس از سفارش به دوستی خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تأکید می فرمایند که در این کار از حدود، تجاوز نکنید. آن حضرت می فرمایند:

ما خاندان پیامبر را به شیوه ای که مدنظر اسلام است، دوست بدارید؛ چراکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مرا بیش از آنچه سزاوارم ستایش نکنید. خداوند مرا بیش از آنکه به پیامبری برگزیند، به بندگی خود برگزید. (بی نا، ۱۳۸۱)

۳،۱،۳. روش پرهیز از اسراف

نقل می کنند که شخصی خانه بسیار مجللی برای خود بنا کرد و امام حسین علیه السلام را برای دیدن خانه اش دعوت کرد تا حضرت پس از بازدید از آن خانه، در حق صاحب خانه دعای خیری بکنند. حضرت وقتی وارد خانه شدند، با تعجب و تأسف نگاهی به اطراف خانه انداختند. آنگاه فرمودند:

خانه آخرت را (به سبب اسراف و زیاده روی در هزینه ساختمان سازی) ویران ساخته‌ای؛ در مقابل به آبادسازی خانه دیگری که فناپذیر است پرداخته‌ای. با این کار خودت را در نزد مردم عزیز و بزرگ داشته‌ای تا مردم به چشم بزرگی به تو نگاه کنند؛ اما بدان که در نزد اهل آسمان فردی بسیار پست و حقیر محسوب می‌شوی و همه آن‌ها تو را دشمن می‌دارند. (همان)

۴،۱،۳. روش پرهیز از سوگند

از آدابی که درباره اهل بیت علیهم‌السلام بسیار گفته‌اند، تکریم اسماء الهی و پرهیز از سوگند حتی در صورت برحق بودن است. این درحالی است که در جوامع اسلامی، سوگند خوردن به عنوان عادت زشت درآمده و هرکس برای کوچک‌ترین کار به اسماء الهی سوگند می‌خورد. بدتر اینکه برخی برای اثبات دروغ خویش و پوشاندن آن، به خداوند سوگند یاد می‌کنند و به واسطه این کار دو گناه مرتکب می‌شوند. محمد بن اسماعیل بن عمرو از جدش نقل کرده که گفت:

حسین بن علی علیه‌السلام در ایام کودکی با لوح (تخته مخصوص نوشتن) خود از مدرسه به ما گذر می‌کرد. ما به شوخی لوح او را گرفته و می‌گفتیم: این مال ماست. او می‌گفت: نه این مال من است. می‌گفتیم: قسم بخور! آن حضرت لوح را در دست ما می‌گذاشت و می‌رفت و ما او را صدا زده و لوح را به او پس می‌دادیم. (مویدی، ۱۳۸۳: ۶۵۹)

این روایت به خوبی نشان می‌دهد که هرگونه سوگند خوردن، حتی به حق، چه اندازه سنگین است و آن حضرت حتی برای اثبات حق خویش، حاضر نبود سوگند بخورد و لوح را در اختیار مدعیان می‌گذاشت.

۳، ۱، ۵. روش صبر و بردباری

یکی دیگر از صفات نیکو و کلیدی انسان، صفت صبر و بردباری است. صبر حالتی نفسانی است که اگر به حد اعلاي خود برسد، انسان را از بی‌قراری و اضطراب و شکایت از قضای الهی در حوادث باز می‌دارد و بر ایستادگی در مقابل نفس و خواسته‌های آن قدرت پیدا می‌کند و بر انجام واجبات و طاعت‌ها پایدار خواهد ماند؛ به‌همین دلیل در منابع دینی صبر به سه قسم تقسیم شده است؛ صبر در مقابل بلاها و مصائب که نیکوست، صبر بر طاعت و بندگی که از آن نیکوتر است و برتر از همه بردباری و استقامت در مقابل گناهان و شهوات. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱، ۹۳)

سیدالشهدا علیه السلام الگوی صبر و شکیبایی در مصیبت‌ها، مشکلات زندگی، زخم شمشیر، داغ عزیزان و شهادت فرزندان است. در روز عاشورا نیز در خطبه‌ای که آن حضرت با این جملات آغاز می‌کنند «صبرا بنی الکرام...» یاران خویش را بر رنج جهاد و زخم شمشیر به صبوری فرامی‌خوانند تا از تنگنای دنیا به وسعت آخرت و از دشواری‌های دنیا به نعمت و راحت بهشت برسند و مرگ را همچون «پل عبور» بدانند. (قمی، بی‌تا: ۱۳۵) ایشان هنگام خروج از مکه نیز ضمن خطابه‌ای فرمودند:

«نصر علی بلائه و یوفینا اجور الصابرين» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴، ۳۶۷)

ایشان با بیان این جمله صبر بر بلا را مقدمه رسیدن به اجر صابران دانست که خداوند به آن‌ها عطا خواهد کرد.

جدول ۳. اصول و روش‌های مرتبط با هدف احیای معاد و روز حساب

| روش‌ها | اصول | هدف |
|---------------------------|---------------|-----------------------|
| امربه معروف و نهی از منکر | تهدید و ترغیب | احیای معاد و روز حساب |
| میانه روی در دوستی | | |
| پرهیز از اسراف | | |
| پرهیز از سوگند | | |
| صبر و بردباری | | |

نتیجه گیری

گوناگونی شرایط زمانی ائمه اطهار علیهم‌السلام باعث شده تا آن‌ها با وجود آرمان مشترک، در عرصه دعوت و تربیت، شیوه‌های گوناگون داشته باشند. در میان امامان شیعه، امام حسین علیه‌السلام شرایط ویژه خود را داشت؛ بنابراین ضمن آنکه همه زندگی و سیره حضرت سرمشقی کامل از حیات طیبه، برای پیروانش است، سیره تربیتی ایشان در حادثه کربلا، برای کسانی که زندگی‌شان به شرایط زمانی آن حضرت شباهت بیشتری دارد و می‌خواهند حسینی باشند، اهمیت بیشتری دارد.

برای شناخت امام حسین علیه‌السلام افزون بر کلمات الهی، می‌توان به سخنان و سیره آن حضرت مراجعه کرد. در این مقاله تلاش شده، با بهره‌گیری از بعضی سخنان آن حضرت، نمایی از مکارم اخلاقی ایشان ترسیم نمایم تا با استفاده از این سخنان و آگاهی از خلق و خوی آن بزرگوار، خود را آن‌گونه که خواسته خدا و معصوم است، تربیت کنیم.

اصولا امام حسین علیه‌السلام راه دین را راه محبت می‌شمارند؛ زیرا اگر انسان به راهی عشق و علاقه نداشته باشد، نمی‌تواند در آن گام بردارد و مشکلات و

سختی‌های آن را تحمل کند. ایشان راه اسلام را همان راه محبت و عشق دانسته‌اند؛ بنابراین اگر کسی به اسلام علاقه دارد، باید به اهل بیت علیهم‌السلام نیز علاقه‌مند باشد.

امام حسین علیه‌السلام همانند دیگر اعضای خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام، اسوه کامل عینی و تجسم خارجی و بیرونی مفاهیم اخلاق قرآنی هستند. براین اساس خداوند از مردم می‌خواهد که برای دستیابی به کمال اخلاقی، از سیره و روش عینی و عملی آنان بهره گرفته و خود را به کمال لایق و شایسته برسانند.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن طاووس حلی، سیدعلی، ۱۳۸۱، لهوف، مترجم عباس عزیزی، قم: راه صلاه.
۳. ابن عساکر، اَبی القاسم علی بن الحسن، ۱۴۱۵، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن فارس، احمد، ۱۴۲۰، معجم مقاییس اللغه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. اصفهانی، ابوالفرج، ۱۳۷۱، مقاتل الطالبین، مترجم محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۶. امین عاملی، سید محسن، ۱۳۸۴، اعیان شیعیه، قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
۷. آیتی، محمد ابراهیم، ۱۳۷۲، بررسی تاریخ عاشورا، تهران: صدوق.
۸. باقری، خسرو، ۱۳۶۴، نقد تطبیقی مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی قدما و روان‌شناسی معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۹. حرانی، حسن بن علی بن الحسن بن شعبه، ۱۳۷۶، تحف العقول، تهران: مکتب الصدوق.
۱۰. حلوانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۳، نزه الناظر و تنبیه الخاطر، قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (علیهم السلام).
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۵، سیره نبوی، تهران: دریا.
۱۲. رهنما، اکبر، ۱۳۷۸، بررسی و تجزیه و تحلیل خاستگاه‌ها، غایات و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیر، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۳، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۱۴. عیاشی، شیخ ابی النصر محمد مسعود، ۱۳۸۷، تفسیر عیاشی، تهران: بنیاد بعثت.
۱۵. شریف قرشی، باقر، ۱۳۸۵، حیاة الامام حسین بن علی علیه السلام، قم: قلم مکنون.
۱۶. قمی، شیخ عباس، بی تا، نفس المهموم، مترجم آیت الله میرزا ابوالحسن شعرانی، قم: هجرت.
۱۷. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۴۱۵، موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، قم: دارالمعروف.
۱۸. مجلسی، علامه محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۹. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: نشر کتاب.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، حماسه حسینی، تهران: صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، سیری در نهج البلاغه، تهران: صدرا.
۲۲. معین، محمد، ۱۳۸۴، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر.
۲۳. مویدی، علی، ۱۳۸۳، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، قم: نشر معروف.
۲۴. نارویی، قاسم، ۱۳۷۴، بررسی روش های تربیتی در قرآن و سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

۲۵. نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۹، مستدرک الوسایل، بیروت: موسسه اهل البيت عليه السلام لاحياء التراث.

۲۶. بی‌نا، ۱۳۸۱، «پیام‌هایی از سخنان امام حسین عليه السلام»، مجله گلبرگ، ویژه‌نامه محرم.

27. Shulamit, G (2000) "Minimalistic virtue ethis : Theory for moral education" Simon fraser university , Degree : PhD , CANADA.

